یادداشت: قاچاق کالاهای مجاز

یک وقت صحبت از قاچاق کالاهائی است که امنیت ملی‏ را به مخاطره می‏اندازد.بدوا میدانیم که تهدیداتی که‏ علیه امنیت ملی میشود ممکن است،نظامی،اقتصادی‏ اجتماعی یا فرهنگی باشد(که تهدیدات علیه مذهب‏ و اعتقادات جامعه نیز در ردیف تهدیدات فرهنگی تلقی‏ میشود).طبعا باید با قاطعیت جلو این تهدیدات گرفته شود. برای جلوگیری از ورود اینگونه کالاها قانون‏گذار معمولا قوانین شدیدی وضع میکند و دستگاههای خاصی‏ را نیز مسئول اجرای این قوانین مینماید.قاچاق مواد مخدر یا اسلحه را میتوان در این ردیف شمرد.

اما یک وقت صحبت از قاچاق کالاهائی است که از مرزهای گمرکی و بطور قانونی میتواند وارد و یا صادر شود،با اینهمه عده‏ای به قاچاق آنها مبادرت‏ می‏ورزند.بحث حاضر در مورد اینگونه کالاهاست.

چنین قاچاقی بمعنای آنست که انسان ابتدا لقمه حلال‏ خود را حرام کند و سپس آنرا بخورد!میدانیم قانونگذار برای‏ رفاه حال مرزنشینان و با هدف تأمین درآمدی برای آنها و جلوگیری از مهاجرت ناگزیرشان به شهرها در حد معینی به‏ آنها اجازهء وارد کردن کالاهائی بخشوده از حقوق گمرکی یا با تخفیف قابل ملاحظه،داده است.معاملات پیله‏وری‏ مرزنشینان نیز شکل دیگری از این مساعدت‏هاست.اما در عین حال عده‏ای به انواع حیله‏ها متوسل میشوند تا کالائی را که قانونا باید از طریق گمرک و با برگ سبز گمرکی ترخیص کنند.بصورت قاچاق وارد یا صادر نمایند؟ چرا؟

در یک جمله:در این کار برای خود نفعی تصور می‏کنند، زیرا تا سودی در میان نباشد کسی سرمایه و وقت خود را بخطر نمی‏اندازد،حتی اگر مانند یک قاچاقچی برای‏ حیثیت خود بهائی قائل نباشد.قاچاقجی معمولا کالائی را میخرد که از آن سوی مرز هم بصورت قاچاق آمادهء تحویل‏ به او باشد زیرا که در اینصورت کالا را ارزانتر و بدون‏ تشریفات خریداری میکند.تنها در صورتیکه فروشنده در کشور مورد نظرش امکان صدور کالا بصورت قاچاق نداشته‏ باشد،آنرا بصورت قانونی میخرد ولی در ورود آن به کشور خود از گمرک و پرداخت حقوق و عوارض آن و ارائه‏ گواهینامه‏های استاندارد و بهداشتی معتبر،فرار میکند.در مورد صدور کالا بصورت قاچاق نیز همین روش اعمال‏ میشود.

در کشور ما،متأسفانه،اینک هر دو نوع قاچاق وجود دارد و شاید بجرأت بتوان گفت که اهمیت کالاهای صادره‏ بصورت قاچاق،کمتر از واردات قاچاق نیست.تعجب نکنید اگر بگوئیم که گاه این قاچاق با قرارومدارهای قبلی، بصورت تهاتری صورت میگیرد تا قاچاقچی‏های‏ هر دو طرف مرز سود دو جانبه یا"دوسره‏"ببرند و خطر رفت‏ وآمد مکرر را نیز به نصف تقلیل دهند و طبعا هزینه حمل ونقل نیز تخفیف یابد.

اینکه صادرات کالای قاچاق توسعه یافته،ناشی از چند عامل است.نخست‏گرانی و دشواری تحصیل ارز مورد قبول فروشنده از طریق سیستم بانکی و اختلاف بارز نرخ‏ ارز در بازار آزاد و در سیستم بانکی که امروز عملا،بدون در دست داشتن مدارک مثبت کسی نمیتواند به ارز بانکی‏ دسترسی پیدا کند.بنابراین وسوسه فروش هر نوع کالا و به‏ دست آوردن ارز،دور از چشم مأمورین و فروش آن در بازار سیاه-تجسم سود سرشار و غیره منتظره‏ای را بوجود می‏آورد که گروهی را به خطر اقدام به صدور کالای قاچاق- حتی ارزاق روزمره و داروی مورد احتیاج بیماران،مینماید.

دوم:ارزانی نسبی کالاها در ایران نسبت به کشورهای‏ هم‏جوار.عده‏ای به خرید انبوه کالاهائی که با سوبسید وارد کشور میشود و به قیمتی به مراتب پائینتر از قیمت تمام‏ شده،از طرف دولت عرضه میشود،مبادرت میکنند.این‏ عده،چنین کالاهائی را بطور قاچاق در مرزها میفروشند و اگر هم ارز سودآور بدست نیاورند بجای آن کالاهای مورد علاقه را بطور قاچاقی وارد میکنند.برای اینکه به اختلاف‏ قیمتها پی ببرید خوب است فی المثل قیمت یک کیلو گوشت را در ایران،ترکیه و کشورهای جنوبی خلیج‏فارس‏ و عراق و افغانستان مقایسه کنید.آنوقت در می‏یابید که‏ قاچاقچی گوسفند گاه تا 4 برابر قیمت خرید،از فروش‏ گوسفند زنده بصورت قاچاق سود می‏برد.

سوم:فرار از حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض مختلف و هزینه‏های تحصیل گواهی‏های لازم.

چهارم:صدور هر نوع کالا تحت هر شرائط بهداشتی‏ یا غیر بهداشتی که مورد قبول خریدار کالای قاچاق قرار گیرد.

پنجم:فرار از تشریفات اداری

ششم:فرار از پرداخت مالیات بر درآمد در آخر سال. قاچاقچی‏ها اغلب خود را بیکار یا با کسب و کار کم اهمیتی‏ جلوه میدهند تا مشمول مالیات بر درآمد نشوند،در حالیکه‏ گاه با چند معاملهء ظاهرا ساده قاچاق میلیونها دلار بجیب‏ میزنند.کار قاچاق کالاهای مجاز به جائی رسیده که حتی‏ به بنزین-گازوئیل و آهن قراضه نیز کشیده شده است. زیرا،چنانکه قبلا نیز نوشته‏ایم،یک لیتر بنزین که در ایران به ده تومان خریداری میشود،در ترکیه یا افغانستان‏ یا کشورهای آنسوی خلیج‏فارس بین 60 تا 70 تومان‏ فروخته میشود و البته ارز حاصل از آن نیز در بازار سیاه‏ فروخته شده و سود چند برابر دیگری برای قاچاقچی‏ تحصیل میکند.امروزه برنج،عدس،نخود،لوبیا،دارو،نفت‏ و بنزین و گازوئیل،آهن قراضه و هر کالای دیگری بصورت‏ قاچاق صادر میشود قاچاق اشیاء عتیق وگرانبها،که با حجم‏ کم گاه قیمتهای سرسام‏آوری دارد،بجای خود.

اما در مورد قاچاق کالاهای وارداتی،این کالاها عموما محصولات لوکس است که در ایران ساخته نمیشود یا شهرت و معروفیت مارک آن سبب شده تا مردم به خرید آنها رغبت بیشتری نشان دهند.چون بر چنین معاملات‏ غیر قانونی و پنهانی نظارتی نمیشود و همهء فعالتها دور از چشم مامورین صورت میگیرد و خریدار و فروشنده حتی‏ اغلب با اسامی جعلی با یکدیگر معامله میکند،طبعا در بکار بردن مارکهای تقلبی نیز کمترین تردیدی خود روا نمیدهند.همین قدر که کالا ظاهر فریب باشد کافی است.

این عمل فاسد،اقتصاد کشور را فلج میکند زیرا کسانی که‏ بطور قانونی کالائی را صادر میکنند میباید یک سری‏ گواهی‏های استاندارد و بهداشتی و جواز صدور بدست‏ آورند.باید دارای کارت بازرگانی و کارت عضویت اتاق‏ بازرگانی باشند یا بعنوان پیله‏ور و مرزنشین در نقاط محروم‏ شناخته شده باشند.تعهدات خاصی برای فروش یا بازگرداندن ارز صادراتی خود به بانک بدهند.کالای آنها از طرف ممیزین دارایی ارزیابی شده آخر سال باید برای‏ معاملات خود و درآمدهایشان مالیات بدهند.باید دفاتر رسمی بدون خدشه داشته باشند و ارائه دهند و طبعا هزینه‏های بالاسری متعددی را قبول کنند،کالاهای خود را سالم پای کشتی و یا روی کشتی یا به شرکت حمل و نقل‏ زمینی یا هوائی تحویل داده،بارنامه بگیرند و همهء اسناد مورد نیاز را به بانک طرف معاملهء خریدار بدهند و اگر خریدار با مشکلی مواجه نگردید،در برابر دریافت همهء اسناد مذکور به بانک خود دستور پرداخت وجه کالای صادراتی‏ از ایران به محل مورد توافق،را بدهد.چنین صادرکننده‏ای‏ باید ارز خود را به قیمت رسمی به بانک بفروشد،در حالیکه‏ حتی امروزه در بازار سیاه قیمت ارز دو برابر قیمت رسمی‏ آنست،طبعا این مکانیزم پیچیده و پرتشریفات و پرهزینه‏ عده‏ای را به راه ساده صدور کالای قاچاق،بر کنار از همهء این‏ تشریفات می‏کشاند.اینگونه افراد رفته رفته به قاچاق‏ کالاهای غیر مجاز و ممنوع الورود نیز کشیده میشوند که‏ فساد مضاعف ایجاد میکند.در مورد واردات قانونی نیز مراحلی مانند گرفتن چند پروفورما،قبولاندن آن به‏ سازمان مسئول واردات،صدور اجازهء ورود،دوندگی برای‏ گشایش اعتبار ارزی غیر قابل برگشت مورد قبول‏ خریدار،بیمه کردن کالا،مشارکت در امر خسارت‏ همگانی( General Avrage )دادن تضمینهای لازم‏ به بانک-ترخیص کالا و دریافت ورقه سبز گمرکی- تسویه حساب نهائی با بانک-پرداخت مالیات بر درآمد در آخر سال براساس جداول قانونی،و تشریفات دیگری‏ مانند آزمایش صحت و بهداشتی بودن کالا و درست بودن‏ اسناد و غیره مطرح است آنوقت این فروشنده باید کالای‏ خود را در قبال محصولاتی که بدون رعایت هیچیک از این‏ تشریفات و هزینه‏ها وارد شده،در یک بازار بفروشند. طبیعی که خریدار به آنکه ارزانتر میفروشد روی می‏آورد و این امر از هر دو سر،تجارت خارجی کشور را به مخاطره‏ می‏اندازد،هم به گفتهء آقای مهندس خاموشی در مجلس‏ شورای اسلامی،"در سال 73 جمع مصرف ارزی برای‏ واردات از طریق سیستم بانکی 4/8 میلیارد دلار بوده در حالیکه واردات کالای قاچاق بین 4 تا 7 میلیارد دلار برآورد شده است.در اقتصادی که 45 درصد واردات آن اقتصاد سایه است سیاستگذاری مجلس شورای اسلامی در این‏ اقتصاد چه نقشی میتواند داشته باشد؟".

دستگاههای عریض و طویلی برای مبارزه با قاچاق بوجود آمده است.اما به گفته آقای مهندس خاموشی در جواب به‏ اظهارات وزیر کشور،در جلسه روز سه شنبه 23 خرداد 74 مجلس شورای اسلامی:"در مرحله قبلی برخلاف آنچه‏ وزیر محترم فرمودند و اقدام بجائی که انجام شد،از سه‏ هفته تجاوز نکرد در حالیکه شاهد این هستیم که همین‏ اقدام و جار و جنجال سه هفته‏ای ارز را به چه قیمتی‏ برگرداند".

در اینجا نویسنده میخواهد نظر کارشناسی خود را(و نه نظر اتاق ایران را)در مورد آمار و ارقامی که در زمینه مبارزه با قاچاق منتشر میشود،بیان دارد.همهء ما روزانه‏ (از رادیوها و ایستگاههای تلویزیونی کشور می‏شنیدیم و گاه‏ فیلمهای مستندی را از تلویزیون می‏دیدیم و در روزنامه‏ها می‏خواندیم که جملگی حکایت کشف روزافزون‏ قاچاق میکرد.دستگاههای ذیربط این ارقام صعودی را مایهء افتخار،مباهات و سرفرازی خود می‏دانستند.متأسفانه‏ هیچکس نمی‏گفت هدف کشف قاچاق نیست،بلکه‏ هدف از بین بردن قاچاق است.هیچکس آماری ارائه‏ نمی‏داد که کالاهای قاچاقی که کشف نمی‏شود نیز به‏ همین نسبت-و شاید بیشتر-افزایش مییابد یا نه.اگر پس از اینهمه مبارزه قاچاق متوقف شده بود،کار به نتیجه‏ رسیده بود،حالا یک مورد کالای قاچاق هم نباید کشف‏ شود.بگذارید نگاهی به آماری که آقای بشارتی وزیر کشور،در مجلس شورای اسلامی در پاسخ به سخنان‏ نماینده مردم تهران در مجلس ارائه داد بیافکنیم.ایشان با افتخار گفتند:"ما فقط در فرودین ماه سال جاری 23 میلیارد ریال کالای قاچاق گرفتیم در حالیکه در فروردین‏ سال گذشته فقط 9 میلیارد ریال قاچاق کالا گرفتیم‏".

زیادی کشف قاچاق یا زیادی مبلغ دریافتی بابت تخلفات‏ راهنمائی و رانندگی افتخار نیست،اگر چه ممکن است به‏ خزانهء دولت کمک کند.افتخار اینست که قاچاق یا تخلفات‏ دیگر از بین برود و برای مثال پلیس راهنمایی و رانندگی‏ فقط راهنما باشد.یا مامورین محافظ مرزها و مبادی ورودی‏ و خروجی شهرها به جائی برسند که فقط نقش ناظر را داشته باشند.

باید قاچاق را ریشه‏کن کرد و این میسر نیست مگر اینکه‏ قاچاق را برای هیچکس صرف نکند و با صطلاح به‏ مخاطره‏اش نیرزد.

سرانجام دولت کاری انجام داد که می‏باید از اول به آن‏ مبادرت می‏ورزید.خیلی ساده و راحت نرخی را که هم برای‏ صادرکننده مقرون بصرفه باشد و هم فشار زیادی بر مردم‏ وارد نیاورد بعنوان نرخ رسمی ارز تا آخر سال جاری اعلام‏ کرد و همزمان با آن هر نوع داد و ستد ارز خارج از سیستم‏ بانکی را غیر قانونی و مشمول تعزیرات حکومتی ساخت. صادرکننده را ملزم ساخت ارز خود را به بانک بفروشد یا در بانک ودیعه گذاشته و حتی سود آنرا دریافت دارد و واردکننده را نیز ملزم به گشایش ارز بانک نمود.یعنی‏ همان سیستمی را اعمال کرد که در کشورهای مترقی عالم‏ رایج است نتیجه آن شد که علیرغم گفتهء آنان که باور نمیکردند نرخ ارز در بازار آزاد و سیاه پائین آید،نرخها رو به کاهش گذاشت،بنحوی که اکنون در حال نزدیک شدن‏ به نرخ رسمی است و اقتصادی که می‏گفتند قفل شده‏ است،نه تنها قفل را،بلکه زنجیرها را شکست و حالا رفته رفته هم صادرات و هم واردات دارد به جریان طبیعی‏ باز میگردد.منکر آن نیستیم که بازگشت به حالت کاملا طبیعی و متعادل مدتی وقت میگیرد اما بقول معروف: "دیر بودن بهتر از هرگز نرسیدن است‏".ما بارها گفته‏ایم که‏ به قدرت و توانائی اقتصاد خود اعتقاد داریم.تصمیم قاطع‏ اخیر دولت یکبار دیگر این امر را ثابت کرد و نشان داد حوادثی که همزمان با اعلام تحریم ایران از سوی امریکا توسط سوداگرانی نادرست یا عناصری همدست با امریکا روی داد که ظرف چند روز قیمت ارز در بازار آزاد را نزدیک به‏ دو برابر ساخت همچون حباب صابون از بین رفت.تصمیم‏ درست و قاطع کار خود را کرد.

در اینجا باز میگردیم به سخنان رئیس اتاق ایران و نماینده مجلس شورای اسلامی در آن مجلس و آن اینکه‏ کنترل قاچاق در مرزهای آبی و خاکی اگر چه لازم است اما کافی نیست.در مبادی ورودی و خروجی شهرها نیز کامیونها باید اسناد مثبته در مورد کالاهائی که حمل‏ و نقل میکنند ارائه دهند تا معلوم شود که کالاهای آنها بطور قانونی و با رعایت تمام جنبه‏های لازم حمل میشود.اگر برای حمل و نقل داخلی است مقصد و مبدأ و دریافت‏کننده‏ و فرستنده مشخص باشند،اگر برای صدور است اجازه‏ نامه‏های لازم را داشته باشد.اگر وارداتی است برگ‏ سبز گمرکی و دیگر اوراق ضروری را همراه داشته باشد و به‏ این ترتیب حساب و کتاب در سطح کشور ایجاد گردد.در معاملات عمده فروشی نیز این اسناد تا زمان‏ معقول و قانونی نگهداری شود تا هم قاچاق متوقف شود هم حقوق هم گمرکی آن گرفته شود و هم در آخر سال‏ وزارت دارائی بتواند حقوق حقه را از درآمدهای مشمول‏ مالیات وصول کند.اگر هم قاچاقی بدست آید با قاچاقچی‏ چنان برخورد شود که دیگر هرگز هوس یک کار پرمخاطره و زیان‏آور را نکند.

انبارها باید توسط مامورین امین،صادق و رازدار دائما تحت کنترل باشد تا دولت بداند بحقیقت چقدر کالا موجودی داریم و کسری آن چقدر است و چگونه و چه وقت‏ و از چه محل داخلی و خارجی کسری‏ها را جبران کند. در چنین صورتی است که موجودی انبار حسابی جداگانه از احتکار پیدا خواهد کرد و البته هر وقت کمبودی در بازار حس‏ شود صاحب کالا باید موجودی انبارهای خود را عرضه کند والا در ردیف محتکران قرار خواهد گرفت.

ضمنا در مبارزه با قاچاق باید مگانیسم قیمتها طوری‏ باشد که قیمت کالاهای داخلی و کشورهای همسایه یا خریداران نهائی،هم سطح شود و در این همسطحی همهء حقوق و عوارض گمرکی و غیر گمرکی ملحوظ شود.

دیگر اینکه تشریفات زائد و وقت‏گیر از بین برود و فقط به‏ مراحل حقیقتا ضروری محدود شود.زمانی فقط در گمرک‏ برای ترخیص کالا از گمرک بین 23 تا 27 امضاء و مهر ضروری بود،در حالیکه در همان ایام در یکی‏ از پیشرفته‏ترین کشورهای جهان فقط یک مأمور تعیین‏ ارزش و حقوق گمرکی میکرد.حقوق را در برابر دادن قبض‏ ماشینی دریافت میکرد و یک باربر،بار را تا پای کامیون یا اتومبیل حمل میکرد و روی سکوی مناسب برای بارگیری‏ قرار میداد.حقیقتا نفر سومی در کار نبود.البته اگر او نسبت به‏ ترخیص کالا از نظر امنیتی یا بهداشتی مشکوک میشد آنرا ترخیص نمیکرد و به آزمایشگاه میفرستاد.نام و آدرس‏ دریافت‏کننده را هم در اختیار داشت و در موارد تخلف‏ طبعا پلیس وارد عمل میشد.اما مهم اینست که اصل‏ "برائت‏"و"اصالت الصحه‏"رعایت میشد.اما در اینجا ما برخلاف این اصول فقه اسلامی‏مان فرض میکنیم همه‏ نادرستند،مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.طبیعی است‏ چنین طرز تفکری فساد را گسترش میدهد.زیرا اگر رفتار ما با بازرگانان همانند رفتار با قاچاقچی باشد و بعلاوه‏ حقوق،عوارض و مالیاتهای گوناگونی هم از او بگیریم، احتمالا عده‏ای تشویق خواهند شد،برکنار از این‏ برخوردها،تشریفات و هزینه‏ها،کار خود را دنبال کنند.

اگر حقوق و عوارض گمرکی متناسب و معقول باشد و تشریفات در حداقل و برخوردها انسانی و انجام کار سریع‏ باشد طبعا مردم رو به واردات قانونی خواهند آورد.در مورد صادرات نیز همسطحی قیمتها،تسهیل در کار صادرکنندگان و حتی در موارد لزوم کمک به صادرکننده‏ و خرید ارز او به قیمت عادلانه سبب خواهد شد که از"استقبال‏ خطر"قاچاق دوری جوید و بصورت صادرکننده قانونی عمل‏ کند و همهء معاملات ارزی کشور نیز مانند دیگر کشورهای‏ مترقی از طریق سیستم بانکی صورت گیرد.در برخی‏ از هتلها در کشورهای پیشرفته یا باجه بانک وجود دارد یا از شما پولی غیر از پول ملی نمیگیرند.حتی اگر چک‏ مسافرتی بدهید میگویند در بانک آنرا تبدیل کن و به‏ ما پول ملی بده.کشورهای عقب مانده یا در حال توسعه‏ای‏ را هم سراغ داریم که حتی در هتل اگر دلار بدهی مازاد آنرا بصورت پول بی‏ارزش ملی خود به شما میدهند.یا اگر یک‏ صد دلاری به صندقدار هتل بدهید تا آنرا با دلار خردتر تبدیل کند،به شما پول ملی میدهد و هرچه اصرار کنید حاضر نمیشود آنرا فرضا با 10 عدد اسکناس ده دلاری‏ تعویض کند!

بهر صورت باید بین قیمتهای داخلی و خارجی،و در تشریفات و دریافت حقوق و عوارض اعتدال وجود داشته‏ باشد تا رغبت به قاچاق کردن کالا از بین برود.آنوقت‏ دستگاه مبارزه با قاچاق کالاهای ممنوع الورود میتواند بشدت قاچاقچیان را تعقیب و سرکوب سازد.